

Original Article

Analyzing and Criticizing the Radical Feminism Argument through Freedom of Reproduction on the Permission of Abortion

Ali Reza AleBouyeh¹, Narges Roodgar², Zeinab Kabiri^{3*}

1. Academic Member, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

2. Academic Member, Al-Mustafa al-Alamiya University, Qom, Iran.

3. PhD student of Islamic Educational Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: zekabiry@gmail.com

Received: 10 Feb 2018 Accepted: 29 Apr 2018

Abstract

Background and Aim: Given the growth of artificial reproductive technologies, new ethical challenges have raised in related to the abortion permission. The purpose of this study is to examine and criticize the reproductive freedom argument on the permission of abortion from the viewpoint of some radical feminists.

Materials and Methods: In this study we firstly describe the history of feminist activities for the permission of the abortion in defense of women's reproductive rights. Then, we analyze and criticize the claims of the radical feminists about freedom of reproduction on the permission of abortion thorough discussing moral rights of the human fetus.

Findings: Firestone, Simone de Beauvoir, Kristian L'Oreal and Susan Sherwin, to prove the abortion permission, have sought to establish women's reproductive argument. Their main claim is that, since women bear suffer from pregnancy, childbirth and maternity, they have right to certain reproductive rights like as induced abortion, By critique of this claim, with respect to the inherent holiness of human life and moral statues of the fetus, the right of the fetus to use the mother's womb as the natural place to growth, and moral responsibility of individuals towards others, even in cases where they did not select those conditions, are recognized.

Conclusion: Women have not entitled to seek just their rights and interests and neglect the responsibilities and consequences of their actions on fetuses. The right to abortion under the pretext of woman's liberty requires the abandonment of her duties and responsibilities as a mother.

Keywords: Abortion; Radical Feminism; Reproductive Freedom; Moral Rights

Please cite this article as: AleBouyeh AR, Roodgar N, Kabiri Z. Analyzing and Criticizing the Radical Feminism Argument through Freedom of Reproduction on the Permission of Abortion. *Bioethics Journal* 2018; 8(27): 85-95.

بررسی و نقد استدلال فمینیسم رادیکال از طریق آزادی تولید مثل بر جواز سقط جنین

علیرضا آل بویه^۱، نرجس رودگر^۲، زینب کبیری^{۳*}

۱. عضو هیأت علمی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

۲. عضو هیأت علمی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۳. دانشجوی دکترای مدرسی معارف، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: zekabiry@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۹

چکیده

زمینه و هدف: رشد فناوری‌های تولید مثل مصنوعی، مسائل اخلاقی جدیدی را در رابطه با جواز سقط جنین مطرح نموده است. هدف این مطالعه نقد استدلال آزادی تولید مثل بر حق جواز سقط جنین برای زنان از دیدگاه برخی از فمینیست‌های رادیکال است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه ابتدا به بیان تاریخچه فعالیت‌های فمینیستی برای آزادی سقط جنین در دفاع از حقوق باروری زنان پرداخته می‌شود. سپس استدلال فمینیسم رادیکال از طریق آزادی تولید مثل بر جواز سقط جنین از طریق طرح حقوق اخلاقی جنین تحلیل و نقد می‌گردد.

یافته‌ها: فایرستون، سیمون دوبوار، کریستین اورال و سوزان شروین برای اثبات جواز سقط جنین در موارد فوق به استدلال حق آزادی تولید مثل برای زنان تمسک جسته‌اند. ادعای اصلی آنان این است که زنان به دلیل مشکلات و رنج‌هایی که به سبب بارداری، زایمان و مادری متحمل می‌شوند، از حقوق باروری و تولید مثل خاصی از جمله حق آزادی سقط جنین برخوردار هستند. نقد این ادعا با توجه به تقدس ذاتی حیات انسان، به رسمیت‌شناختن حق جنین در استفاده از رحم مادر به عنوان محل طبیعی رشد و تکون انسان و مسؤولیت اخلاقی افراد در قبال دیگران حتی در مواردی که با اختیار خود در شرایط انتخاب قرار نگرفته‌اند، تبیین می‌گردد.

نتیجه‌گیری: زنان حق ندارند فقط به دنبال حقوق و منافع خود در جامعه بوده و مسؤولیت‌ها و پیامدهای اعمالشان در مورد جنین‌هایی که حیات انسانی آنان ارزشمند است، را نادیده بگیرند. حق سقط جنین به بهانه آزادی زن، مستلزم نفی وظایف و مسؤولیت‌های او به عنوان یک مادر است.

واژگان کلیدی: سقط جنین؛ فمینیسم رادیکال؛ آزادی تولید مثل؛ حق اخلاقی

مقدمه

فمینیسم رادیکال یکی از مهم‌ترین گرایش‌های فمینیسم موج دوم است که اندیشه‌های آن‌ها بیشترین تأثیر را بر نظام فکری زنان در اواخر دهه ۶۰ گذاشته است. بسیاری از پدیده‌های ساختارشکن اجتماعی حاصل تأثیر چنین اندیشه‌هایی بوده است. فمینیست‌های این گرایش معتقدند مردان به دنبال تملک زنان هستند و از طرق ایدئولوژیک، اقتصادی، جنسیتی و حتی فیزیکی برای تصاحب زنان تلاش می‌کنند تا آنان را برده خود کنند. از دیدگاه رادیکال فمینیست‌ها، زنان باید همواره برای رهایی از ستم جنسیتی (مردسالاری) که سایر انواع ستم، مانند ستم اقتصادی، فرهنگی و... را به دنبال دارد، مبارزه کنند. از نظر آنان به دلیل ستم وارد شده بر زنان، آزادی زنان و هر آنچه در راستای آزادی آنان باشد، هدف مشترک فمینیستی است (۱). به همین دلیل آنان آزادی سقط جنین را قدمی در راه آزادی زنان دانسته و تلاش بسیار کرده‌اند تا برای اثبات جواز آن تغییراتی در ایدئولوژی‌ها، باورها و فرهنگ‌های مختلف ایجاد کنند. امروزه فناوری‌های تولید مثل مصنوعی به سرعت رو به رشد است و جنین‌هایی که با این روش در آزمایشگاه تولید می‌شوند، به دلیل عدم پذیرش چند قلوژی یا جنسیت‌شان توسط مادر طرد و در آزمایشگاه نابود می‌شوند یا مورد مصارف آزمایشگاهی قرار می‌گیرند. فمینیست‌های رادیکال با محوریت شعار حق آزادی برای زنان و با استناد به استدلال‌هایی نظیر آزادی تولید مثل، جواز سقط جنین را توجیه می‌کنند. از این‌رو، مطالعه حاضر درصدد است تا به این مسأله اصلی پاسخ دهد که با توجه به فیزیولوژی خاص بدن زنان و قائل شدن حق آزادی در امور تولید مثل برای آنان، آیا زنان حق آزادی در سقط جنین را نیز دارند؟ فمینیست‌هایی نظیر فایرستون، سیمون دوبوار، کریستین اورال و سوزان شروین معتقدند زنان به دلیل مشکلات و رنج‌هایی که به سبب بارداری، زایمان و مادری متحمل می‌شوند، از حقوق باروری و تولید مثلی خاصی از جمله حق سقط جنین برخوردارند و مردان حق دخالت در این قبیل امور را ندارند. از دیدگاه چنین فمینیست‌هایی آزادی در امور تولید مثل، یکی از مصادیق آزادی زنان از ستمی است

که به دلیل جنسیت‌شان بر آن‌ها وارد شده و نماد آن، آزادی سقط جنین است. در این مقاله تبیین و نقد اخلاقی استدلال آزادی سقط جنین با سیری میان‌رشته‌ای و در چند مرحله پی گرفته می‌شود:

۱- تاریخچه دفاع از جواز سقط جنین؛

۲- ادعای فمینیست‌های رادیکال مبنی بر تأثیر نقش مادری و تولید مثل در فرودستی زنان؛

۳- مادر زیستی و مادری اجتماعی؛

۴- بارداری و ستم جنسیتی به زنان؛

۵- آزادی تولید مثل و حقوق باروری؛

۶- حق دسترسی و تسلط زنان بر فناوری‌های تولید مثل؛

۷- خلاصه و تقریر منطقی استدلال؛

۸- نقد و بررسی استدلال از منظر اخلاقی.

در ادامه ابتدا به بیان تاریخچه فعالیت‌های فمینیستی برای آزادی سقط جنین، به منظور دفاع از حقوق باروری زنان پرداخته می‌شود.

۱- تاریخچه دفاع از جواز سقط جنین

اولین گردهمایی گروه‌های زنان در دفاع از جواز سقط جنین حول محور حقوق باروری بود. در سال ۱۹۷۰ زنان کانادایی کارناوال نمادین سقط جنین به راه انداختند و تابوتی به مثابه نماد زنانی که در اثر سقط‌های غیر ایمن مرده بودند را حمل کرده و اعلامیه‌هایی مبنی بر تقاضای لغو قوانین ضد سقط جنین پخش کردند و خواستار آزادی سقط جنین شدند. آن‌ها از ونکوور تا اتاوا راهپیمایی کرده و هنگامی که به سالن مجلس عوام رسیدند، خود را به صندلی‌های آنجا بسته و موجب تعطیلی مجلس شدند. در همان سال فمینیست‌های هلندی با تظاهرات در مقابل یک کنفرانس مربوط به بیماری‌های زنان، بلوزهای خود را بالا بردند تا عبارت «بانوی بدن خود، حاکم شکم خود» را که بر روی شکم‌هایشان نوشته بودند را، نشان دهند. در سال ۱۹۷۴ ائتلافی از زنان هلندی به نام «خواسته‌های ما زنان» تشکیل شد و گروه‌های مشابهی از زنان نروژی به اقدام مشابهی دست زدند. در سال ۱۹۷۵ انگلیس کمپین ملی سقط جنین تشکیل شد که بزرگ‌ترین سازماندهی فعالیت‌های زنان محسوب می‌شد. سقط جنین

است. مرور این تاریخچه نشان‌دهنده لزوم توجه اندیشمندان به مسائل مورد نیاز زنان در هر جامعه‌ای و اهمیت جدی گرفتن مطالبات آنان است.

۲- نقش مادری و تولید مثل در فرودستی زنان از منظر فمینیست‌های رادیکال

فمینیست‌های رادیکال نگرشی آزادی‌خواهانه نسبت به جنسیت و تکثیر نسل داشته‌اند. آنان از زنان می‌خواستند تا کودکانشان را به راحتی سقط کنند و از تبعات یک بارداری ناخواسته رها شوند (۵).

شولامیت فایرستون (Shulamit Fireston) علت فرودستی و تابعیت زنان از مردان را بیش از هر چیز در طبیعت زیستی آن‌ها برای تولید مثل می‌داند. به اعتقاد او زنان به لحاظ فیزیولوژی تناسلی‌شان ناگزیرند از نوزاد انسان مراقبت کنند و این امر زنان را از لحاظ جسمی ضعیف‌تر از مردان و از لحاظ اجتماعی وابسته به آنان کرده است (۶). فایرستون معتقد است اگر انسان‌ها توانسته‌اند با ابزارهای صنعتی ضعف خود را جبران کنند، می‌توانند مشکل زایمان را نیز با ابزار آزمایشگاه حل کنند. او پیشنهاد کرد بهتر است از وسایل آزمایشگاهی برای پرورش نطفه و جنین استفاده شود و زنان با رفع مسأله حاملگی، از بزرگ‌ترین عامل زمین‌گیر شدن و وابستگی‌های پیدای کنند (۷). در واقع فایرستون ریشه نابرابری زن و مرد را در توانایی بارداری و حمل زنان می‌داند، به همین دلیل وی خواستار رهایی زنان از این وضعیت به اعتقاد او غیر انسانی شد؛ وضعیتی که نگاه ابزاری به بدن زنان دارد.

از نظر فایرستون تولد کودکان از راه آزمایشگاهی یکی از پسندیده‌ترین راه‌های رهایی زنان از پیامدهای زیستی و به نوعی تسلط بر بدنشان است. به اعتقاد او آزادی جنسیتی و محدود نبودن رابطه جنسیتی به همسر و نیز رهایی زنان از تولید مثل می‌تواند به آزادی عمومی بیشتر زنان بیانجامد. همچنین او پیشنهاد کرد، به منظور رهایی زنان از تولید مثل باید به پرورش کودکان در خانواده‌هایی مرکب از حدود ده فرد بالغ روی آورد که در طول یک دوره زمانی محدود تأسیس می‌شود. در این الگو کودکان هیچ پیوند ویژه‌ای با والدین خود

یکی از مسائل مهم در جنبش زنان فرانسه و آلمان نیز بود. ۳۴۳ نفر در فرانسه و ۳۷۴ نفر در آلمان بیانیه‌ای را امضا کرده و در مطبوعات منتشر کردند مبنی بر این‌که همگی سقط جنین کرده‌اند. فمینیست‌های آلمان غربی اولین بار در روز جهانی زن در سال ۱۹۷۰ برای آزادی سقط جنین تظاهرات کردند. سپس در سال ۱۹۷۱ و به دنبال آن در سال ۱۹۷۲ ده‌ها هزار نفر از زنان علیه دولت آلمان تظاهرات کرده و خواستار اصلاح قوانین و آزادی سقط جنین شدند، اما چشم‌گیرترین کمپین را فمینیست‌های ایتالیایی راه انداختند که توانستند نهصد هزار امضا جمع‌آوری کنند. در سال ۱۹۷۴ این حرکت تبدیل به یک جنبش ملی شد. اتحادیه زنان ایتالیا در مخالفتی علنی با حزب کمونیست که قصد داشت سیاستمداران و رأی‌دهندگان محافظه کار را به خود جلب کند، از مبارزه با سقط جنین حمایت کرد. در دهه ۱۹۶۰ رشد فزاینده تعداد زنان متأهل طبقه متوسط در عرصه اشتغال، یکی از مسائل اجتماعی مهم تلقی می‌شد. در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ ورود بیشتر زنان جوان به عرصه‌های عمومی در اجتماع باعث پیدایش جنبش‌های آزادی‌بخش زنان شد. گروه‌های مختلفی از زنان، هرچند با یکدیگر بر سر مسائل مختلف اختلاف نظر داشتند، اما تقریباً توانستند بر سر حقوق باروری به توافق برسند. به نظر می‌رسد آزادی در پایان دادن به بارداری عملاً به مهم‌ترین خواست فمینیست‌ها در دهه‌های هشتاد و نود تبدیل شده بود. آنان معتقد بودند کنترل قدرت باروری زنان، مهم‌ترین راه‌کار کنترل پدرسالاری است (۲).

بیشتر فمینیست‌های مدافع سقط جنین معتقدند که زن حق تصمیم‌گیری در مورد امور مربوط به خود و بدنش را دارد (۳). آنان انتخاب سقط جنین را از حقوق باروری زنان دانسته و بر آن تأکید دارند. در مقابل، اغلب کسانی که با سقط جنین مخالف هستند، معتقدند جنین یک انسان است و حق زندگی دارد (۴). طرفداران حق حیات جنین با برابری زنان یا رفع تبعیض‌های پدرسالارانه مخالف نیستند، بلکه به مسأله حفظ حیات جنین به عنوان یک موجود انسانی زنده توجه دارند. تأکید بیش از حد به مسأله سقط جنین از سوی فمینیست‌های موج دوم با استناد به استدلال تعدی به حقوق زنان قابل تأمل

برقرار نمی‌کنند، بلکه پیوند مهرآمیز با افرادی به انتخاب خودشان از هر جنس و سن ایجاد می‌کنند (۸).

به اعتقاد مارلین فرنچ (Marilyn French) کشیش‌های قرون وسطی عقیده داشتند علت اصلی خلقت زنان، ضرورت وجود آنان برای تولید مثل بوده است (۹). این امر به نادیده گرفته شدن حقوق زنان و از جمله حقوق تولید مثل و باروری کمک بسیاری کرده است. آدرین ریچ (Adrienne Rich) نیز معتقد بود در خانواده‌های سنتی از جنبه زیستی زنان برای به انقیاد کشیدن آنان استفاده شده است، بنابراین زنان در خانواده به دلیل طبیعت باروری و تولید مثلی بدنشان تحت ستم قرار گرفته‌اند (۱۰). ترویج چنین اندیشه‌هایی به ایجاد نوعی نارضایتی عمومی در زنان دامن زد.

برخی از فمینیست‌های رادیکال، مقدس جلوه دادن مادری را به منزله توطئه‌ای می‌دیدند که برای فریب‌دادن زنان و به منظور بازگشت به نقش‌های فرودستانه و پست در خانواده طراحی شده است (۱۱). سیمون دوبوار (Simone de Beauvoir) معتقد است، کنترل باروری و سقط جنین قانونی به زنان اجازه خواهد داد که مادر شدن خود را آزادانه به عهده بگیرند. او امکانات کنترل بارداری و سقط جنین را ابزاری برای فرار زنان از مادری می‌دانست (۱۲). در واقع آنان با از بین بردن تقدس مادری، اولویت‌بخشی به آزادی‌های فردی زنان (نظیر آزادی تولید مثل و حق تسلط زن بر بدن خویش)، به آزادی سقط جنین رسیدند.

۳- مادر زیستی و مادری اجتماعی

آن اکل (Ann Oakley) بر لزوم تفکیک دو نوع مادری تأکید می‌کند:

- ۱- مادری زیست‌شناختی به معنای رشد جنین در بدن زن؛
- ۲- مادری اجتماعی به معنای مراقبت از کودک پس از تولد. او معتقد است طبیعت زیستی زن نباید باعث شود که تربیت و مراقبت پس از تولد کودک نیز به عهده زن قرار گیرد (۱۳). به اعتقاد وی مردان می‌کوشند تحت شعار اهمیت مادری، مسئولیت خطیر تربیت کودک، وابستگی جنین و کودک به مادر و شعارهایی از این قبیل، زنان را به کودکان

گره بزنند و بدین وسیله آن‌ها را تحت سلطه و کنترل خود درآورند.

آن اکل مادری و تقسیم کار جنسیتی را بر پایه امور غیر واقعی می‌داند که به قصد سرکوب زنان ساخته شده و نهادهای فرهنگی در پیدایش و گسترش آن نقش مهمی داشته‌اند. به اعتقاد او ارتباط فرزند با مادر پس از تولد ارتباطی زیستی و غیر قابل جایگزین نیست و ادعای نیاز متقابل فرزند و مادر امری است که تحقیقات آن را تایید نمی‌کند. او مدعی است تجربه موفق تربیت و مراقبت کودک در مؤسسات خیریه، فرزندخواندگی و شیردهی در شیرخوارگاه‌ها گواه این مطلب است.

فایرستون نیز تفکیک بین مادر زیستی و مادر اجتماعی را راه‌کار مناسبی برای رهایی زنان از پیامدهای فرزندآوری می‌داند. وی ریشه فروردستی زنان را قابلیت طبیعی زایش و ظرفیت پرورش جنین در جسم مادر دانسته و مادری را ضد آزادی زنان ارزیابی می‌کند. فایرستون معتقد است جامعه مردسالار به افراد چنین القا می‌کند که زنی که بچه‌ای را درون خود حمل می‌کند، بیش از همه برای بزرگ کردن او مناسب است، در صورتی‌که افرادی که از نظر زیستی مادر می‌شوند، لزومی ندارد که از نظر اجتماعی نیز مادر باشند. از دیدگاه چنین فمینیست‌هایی، مادری، یعنی رابطه‌ای که شخص به تیمار و پرورش فرد دیگری می‌پردازد و محدود به مادر زیستی نیست، بلکه پدر و سایر بستگان یا نهادهای اجتماعی نیز می‌توانند این مسئولیت را به عهده بگیرند.

سیمون دوبوار جنبه طبیعی مادری را انکار کرده، مطلوب بودن حضور کودک نزد مادر را نیز نفی می‌کرد. از دیدگاه او این ایده که زنان با مادری احساس خوشبختی می‌کنند، ساخته نظام مردسالار است تا فعالیت‌های عمومی و ارزشمند را از زنان دریغ کنند. به اعتقاد وی فروردستی زنان ناشی از قابلیت تولید مثلی زنان و تقسیم کار جنسیتی در خانواده است. او معتقد بود سقط جنین و بارداری مصنوعی برای زنان اهمیت فراوان دارد، زیرا زن می‌تواند با محدود کردن تعداد بارداری‌ها، کاملاً عاقلانه و آزادانه، آن‌ها را جزئی از زندگی خود کند نه این‌که خود برده آن‌ها باشد. زن با تسلط بر پیکر خویش

می‌تواند از قسمت اعظم باردگی‌هایی که به دلیل تولید مثل برای او پدیدار می‌گردد، رها شود.

به طور کلی رادیکال فمینیست‌ها اصل مادری را نمی‌پذیرند و نقش مادری را منشأ ستم و فرودستی زنان می‌دانند، به همین دلیل از جواز سقط جنین و حق کنترل باروری به منظور احیای حقوق آزادی بخشی زنان دفاع می‌کنند. اینان هر گونه اعمال قدرت و کنترل از سوی مردان یا دولت را بر این حق زنان نفی کرده، معتقدند علت ستم به زنان، حاکمیت قدرت مردانه است.

۴- بارداری و ستم جنسیتی به زنان

بیشتر فمینیست‌های رادیکال علت اصلی تابعیت زنان در خانواده را بیش از هر چیز در طبیعت زیستی آن‌ها برای تولید مثل می‌دانند. شولامیث فایرستون تلاش کرد بیان کند، اگرچه باروری زن نقشی کاملاً طبیعی است، اما انسان مختار و عاقل نباید تسلیم هر کاری که طبیعت انجام داده، شود. وی پیشنهاد کرد که بهتر است از وسایل آزمایشگاهی برای پرورش نطفه و جنین استفاده شود و زنان با رفع حاملگی، از بزرگ‌ترین عامل زمین‌گیر شدن و وابستگی‌هایی پیدا کنند. او معتقد بود تولد کودکان از راه آزمایشگاه و رهایی زنان از تولید مثل می‌تواند به آزادی بیشتر زنان بیانجامد.

به طور کلی رادیکال فمینیست‌ها هر گونه اعمال قدرت و کنترل از سوی مردان یا دولت را بر امور باروری زنان نفی کرده، معتقدند که علت اصلی ستم به زنان، حاکمیت قدرت مردان در امور مخصوص به زنان است. در این راستا آنان تصمیم‌گیری درباره بارداری را از حقوق تولید مثلی زنان و مصداق آزادی تولید مثل دانسته‌اند.

۵- آزادی تولید مثل و حقوق باروری

برخی از فمینیست‌های رادیکال نظیر سوزان شروین (Susan Sherwin) معتقدند تولید مثل و باروری یک امر شخصی بوده و مربوط به طبیعت زایشی زن است. تنها زنان باردار می‌شوند و مشکلات ناشی از آن را تحمل می‌کنند. بارداری کاری شاق و خطرناک بوده و زایمان سرآغاز مصائب زن و به وجود آمدن وضعیت فلاکت‌بار برای اوست، وضعیتی که او را همانند یک برده زیر دست مرد قرار می‌دهد. به اعتقاد او

بارداری ممکن است باعث بیماری زنان شود و محرومیت آنان از شغل یا ادامه تحصیلات را در پی داشته باشد. زنان در دوران بارداری با مشکلات بسیاری در امور خانه‌داری مواجه می‌شوند، آنان قادر نیستند به طور هم‌زمان به مراقبت از کودک و دیگر برنامه‌هایشان نظیر اشتغال و تحصیل بپردازند. به اعتقاد او، برخی از زنان امکانات مالی کافی برای مراقبت از نوزاد را ندارند و تحمیل این قبیل مسؤولیت‌ها بر آنان سبب وخامت اوضاع شخصی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها می‌شود و ممکن است موجب این تصور شود که همه این امور به دلیل جنسیت زنان بر آنان تحمیل شده است. به اعتقاد شروین به دلیل ناتوانی جسمی زن در دوران بارداری و مشکلات نگهداری فرزند پس از به دنیا آمدن، وابستگی اقتصادی برای زن به وجود می‌آید و وابستگی اقتصادی نیز وابستگی اجتماعی و جنسیتی را در پی دارد و سبب مظلوم واقع شدن زنان به دلیل جنسیت‌شان می‌شود. سوزان شروین معتقد است اگر زنان به محض درخواست‌شان نتوانند سقط کنند، احتمال فرمانبری آن‌ها افزایش می‌یابد، زیرا زنان به دلیل مسؤولیت مراقبت از کودک و افزایش نیاز مالی و کاهش فرصت‌های اقتصادی در دوران بارداری، بیشتر به حمایت مردان وابسته و فرمانبردارتر می‌شوند. شروین معتقد است در واقع بارداری یک زن، او را محدود ساخته و باعث افزایش فرودستی و مظلومیت او می‌شود (۱۴). از نظر وی استقلال واقعی زنان زمانی محقق می‌شود که آنان از یوغ مردسالاری رها شوند، تولید مثل و مادر شدن‌شان در اختیار خودشان باشد و هیچ اجباری برای بچه‌دار شدن نداشته باشند (۱۵). شروین در پاسخ به این مسأله که گروهی می‌گویند زن می‌تواند از بارداری جلوگیری کند یا تن به آمیزش ندهد تا مجبور به سقط جنین نباشد، ادعا می‌کند زنان در کل تاریخ کنترل محدودی بر زندگی جنسی‌شان داشته‌اند و بیشتر تحت سلطه مردان بوده‌اند، به همین دلیل قادر به جلوگیری از بارداری نیستند. اغلب زنانی که در معرض تجاوز جنسی از سوی غریبه‌ها قرار گرفته‌اند، با اجبار شدید و فشار رو به رو شده‌اند و حتی توسط زنان دیگر درک نمی‌شوند. او معتقد است آمیزش جنسی به ندرت طبق تمایل زن است و بیشتر در حالت اجبار، تبعیت یا سازش انجام

می‌پذیرد. موقعیت زیردست‌بودن زنان اغلب مانع نپذیرفتن دسترسی جنسی مردان به بدنشان می‌شود. به اعتقاد او، با آنکه زنان استقلال کامل بر بدنشان ندارند، مسؤول جنین ناخواسته شمرده می‌شوند. به اعتقاد او کنترل زاد و ولد نیز به تنهایی نمی‌تواند از بارداری جلوگیری کند، زیرا هیچ شکلی از کنترل بارداری مطمئن و ایمن نیست. مؤثرترین وسایل جلوگیری از بارداری، یعنی قرص و دستگاه یا آی.یو.دی سلامت زنان را تهدید می‌کند و نمی‌توان توقع داشت که زنان، سال‌های تولید مثل خود را که اوج جوانی و نشاط آنان است، با این داروها سپری کنند. سایر روش‌های جلوگیری مانند گذاشتن دستگاه دیافراگم یا ژل اسپرم‌کش و... نیز نامناسب، آزاردهنده و گران هستند و بنا بر ادعای وی تنها روش مؤثر همان سقط جنین است.

به طور خلاصه این طیف از فمینیست‌های رادیکال معتقدند حقوق باروری و تولید مثلی زنان به دلیل جنسیت آنان، ویژه بوده و آزادی زنان در امور تولید مثل باید جدی گرفته شود، زیرا جنسیت زنان و خاصیت باروری آنان موجب پدیدآمدن مشکلات جسمی، روحی یا اقتصادی فراوانی برای آنان شده و به موقعیت زیردست‌بودن آن‌ها کمک کرده است. در نتیجه راه‌هایی از ستم جنسیتی بر زنان و رفع محدودیت‌ها و مشکلات آنان این است که بر مبنای حقوق باروری، حق انتخاب و تصمیم‌گیری درباره حمل یا سقط جنین، به خود زنان واگذار شود.

۶- حق دسترسی و تسلط زنان بر فناوری‌های تولید مثلی

گروهی دیگر از فمینیست‌های رادیکال معتقدند زنان حق دسترسی و تسلط بر فناوری‌های تولید مثل (تولید مثل مصنوعی) را دارند. به عنوان مثال آنان حق دارند انتخاب کنند که کدام جنین یا چه تعداد از آن‌ها در چندقلوایی‌ها نگه داشته یا سقط شود. حق انتخاب جنسیت جنین و نیز حق تصمیم‌گیری درباره جنین‌های ناقص‌الخلقه و... نیز باید تنها به انتخاب زنان بستگی داشته باشد. در واقع این امور به دلیل حقوق تولید مثلی و باروری زنان بوده و این امر برای رسیدن به آزادی زنان مهم است (۱۶).

نویسنده فمینیست رادیکال کریستین اُورال (Kristin L'Oreal) در سال ۱۹۹۰ بیان کرد پیامد طبیعی فناوری تولید مثل مصنوعی این است که چندین تخمک در رحم زن به وجود آید تا شانس بارداری بالا رود. این عمل به چند قلو شدن جنین می‌انجامد و ممکن است مادرانی که نمی‌خواهند چندقلوایی داشته باشند، تمایل به سقط برخی از جنین‌ها پیدا کنند (۱۷). اورال برای حل مشکل تعارض اخلاقی حقوق مادر با حق حیات جنین ادعا می‌کند که جنین‌ها هیچ حقی را کسب نمی‌کنند، چه جمعی (چندقلو) باشند چه فردی. او معتقد است حتی اگر یک زن به اراده خود و با شادی باردار شود، او «حق آزادی» و «حق تصمیم‌گیری» درباره جسم خود را دارد. به اعتقاد او زن، حقی شخصی دارد که آزادانه مشخص کند، چه تعداد جنین می‌توانند از رحم او استفاده کنند. بنابراین زنان نه تنها حق دسترسی به فناوری‌های تولید مثل مصنوعی را دارند، بلکه حق دارند که انتخاب کنند کدام جنین باید در این بارداری‌ها زنده بماند. در واقع از نگاه چنین فمینیست‌هایی، بی‌توجهی به «حق تصمیم‌گیری» زنان و اجبار آنان به حفظ جنین و عدم دسترسی آزاد به سقط جنین، نمادی از مردسالاری و نوعی ستم به زنان است. این گروه از فمینیست‌های رادیکال معتقدند که سقط جنین جزء امور مخصوص به زنان است و مردان حق دخالت در امور زنانه را ندارند، زیرا آنان درک درستی از زنان و مشکلاتشان ندارند. سیدنی کالاهان (Sidney Callahan) معتقد است که آزادی سقط جنین، نمادی از حقوق باروری و آزادی تولید مثلی زنان است، زیرا تنها آنان باردار می‌شوند و مسؤولیت‌های آن را به تنهایی به دوش می‌کشند.

به گفته پاسنو (Pasno) این گروه از فمینیست‌ها مدعی‌اند وقتی می‌توان جنین را انسان بالقوه دانست که وجود او از قبل پیش‌بینی و خواسته شده باشد. در غیر این صورت، جنین چیزی جز توده‌ای درون شکم نیست و هیچ حقی ندارد (۱۸). نوآمی ولف (Noami Wolf) معتقد است از نظر چنین زنانی، جنین‌های خواسته‌شده زیبا، بامحبت، پیچیده‌اند و در عکس‌های سونوگرافی شبیه پدر یا مادر خود هستند، آن‌ها بسیار مهم هستند و لحظه به لحظه در عکس‌های سونوگرافی

رشد آنان رصد می‌شود؛ مهم است که آنان در چه ماهی یا چه هفته‌ای، چه توانایی‌هایی دارند، اما جنین‌های ناخواسته شبیه یک دشمن، سلول سرطانی یا انگل تصور می‌شوند که باید از بین بروند (۱۹).

۷- خلاصه و تقریر منطقی استدلال

استدلال فوق را می‌توان به شکل منطقی زیر خلاصه کرد:

۱- زنان حق آزادی تولید مثل دارند (این آزادی برگرفته از شرایط فیزیولوژی خاص زن و حقوق ویژه باروری بوده و راه‌کاری برای رهایی زنان از ستم جنسیتی است)؛

۲- حق تصمیم‌گیری درباره حمل یا سقط جنین (حق انتخاب) یکی از مصادیق آزادی تولید مثل زنان است.

نتیجه: زنان حق تصمیم‌گیری (حق انتخاب) درباره حمل یا سقط جنین را دارند.

۸- نقد و بررسی

بر استدلال آزادی تولید مثلی زنان در دفاع از جواز سقط جنین نقدهای متعددی وارد است:

۸-۱- تقدس ذاتی حیات انسان: حیات انسان ذاتاً مقدس است و انسان‌ها نباید وسیله اهداف دیگران قرار گیرند. دخالت و تصمیم‌گیری برای زنده‌بودن یا مرگ یک موجود انسانی نباید تابع قراردادهای و تمایلات دیگران باشد. دلیلی وجود ندارد که به بهانه تعدی به حقوق زنان، حقوق جنین‌ها و ارزشمندی ذاتی حیات انسانی آنان نادیده گرفته شود (۲۰).

ارزشمندی حیات جنین بدین دلیل است که جنین از لحظه لقاح (تخمک بارور شده) استعداد، توان و قوه قریب انسان شدن را دارد و اگر دخالت‌های غیر طبیعی و موانعی برای رشد جنینی‌اش ایجاد نشود، به تدریج رشد کرده و به انسان تبدیل می‌شود. بنابراین همان‌گونه که انسان شأن و منزلت اخلاقی داشته و از حق حیات برخوردار است، جنین نیز پس از ولوج روح به طور بالفعل و قبل از ولوج روح به طور بالقوه شأن انسانی دارد، زیرا جنین قبل از ولوج روح گرچه انسان بالفعل محسوب نشود و سقط آن قتل نفس نبوده و پیامدی بر آن مترتب نشود، ولی قوه قریب و فعال انسان شدن را داراست و به تدریج قوه و استعدادهای خود را تبدیل به فعل کرده و انسان می‌شود. بنابراین جنین در تمام مراحل رشد

واجد شأن و منزلت اخلاقی بوده، دارای حق حیات است و در نتیجه سقط کردن وی به لحاظ اخلاقی مجاز نیست، گرچه تخمک بارور شده، مانند ما واجد خودآگاهی، عقلانیت، احساس، درک و... نیست، ولی قوه آن‌ها را دارد و کم‌کم آن استعدادها را به فعلیت رسانده و واجد خودآگاهی، عقلانیت، احساس، درک و... می‌شود. به عبارت دیگر موجود بالقوه‌ای که می‌تواند ارزش‌های اخلاقی را کسب کند، وجودش ارزش اخلاقی دارد (۲۱).

جنین انسان با جنین حیوان تفاوت ماهوی و اساسی دارد، زیرا قابلیت کسب کمالات انسانی را دارا بوده و در صورتی که مانعی برای سیر طبیعی زیستی‌اش به وجود نیاید، انسانی با ویژگی‌ها و توانمندی‌های متفاوت از حیوانات می‌شود. بنابراین حیات جنین حتی قبل از ولوج روح به دلیل دارا بودن استعدادهای خاص انسانی (نظیر فطرت الهی داشتن، کرامت ذاتی و امانت‌دار الهی بودن) ارزشمند است و کسی حق ندارد به طور دلبخواهی و بدون دلیل موجه عقلی و شرعی به آن خاتمه دهد. مادر نیز در قبال حیات جنین که در واقع فرزند بالقوه اوست، مسئولیت اخلاقی دارد و نمی‌تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد.

۸-۲- نقد ادعای عدم قدرت زنان در روابط جنسی:

سوزان شروین مدعی بود بسیاری از زنان می‌گویند شریک‌های جنسی آنان تمایلی به استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری ندارند و زنان هم توان اصرار ندارند. او سقط جنین را در بارداری ناخواسته آزاد و حق زن می‌داند. باید اعتراف کرد نمی‌توان با چنین بهانه‌هایی از مسئولیت‌های اخلاقی فرار کرد، گرچه روش‌های جلوگیری از بارداری ممکن است آزاردهنده و گران باشند، اما هیچ‌کدام توجیه موجهی برای مراقبت نکردن و فرار از مسئولیت برای زن و مرد نیستند. برخی از وسایل پیشگیری از بارداری در همه مکان‌ها با قیمت مناسب یافت می‌شوند و اگر به طور صحیح استفاده شوند، اغلب قابل اعتماد و اثربخش هستند، اما شروین زنان را قربانی نشان می‌دهد نه یک شریک و همکار جنسی. شروین به بارداری به عنوان یک نتیجه تجاوز جنسی می‌نگرد و به این مطلب اشاره نمی‌کند که اغلب بارداری نتیجه یک آمیزش جنسیتی رضایتمندانه و

وابستگی یا نیاز به دیگران روی پای خود بایستند، در حالی که انسان‌ها با داشتن روابط با یکدیگر و با حضور در جمع سالم‌تر و شاداب‌تر هستند تا این‌که تنها و خودمختار باشند. واقعیت این است که ما انسان‌ها به یکدیگر نیاز داریم و نمی‌توانیم بیش از حد فردگرا باشیم.

بنابراین تأکید بر حقوق باروری زنان بدون در نظر گرفتن حق حیات جنین و حقوق پدر که حق مشارکت در رابطه با تصمیم‌گیری درباره سرنوشت کودک خود را دارد، نوعی خودخواهی و خودکامگی است. جنین‌ها نیز جزء اموال شخصی و فردی زنان نیستند تا حفظ یا سقط کردن آن‌ها تنها به انتخاب زنان و حق تصمیم‌گیری آنان بستگی داشته باشد، بلکه تصمیم‌گیری درباره سرنوشت آنان باید به گونه‌ای باشد که اخلاقاً حقوق و مصلحت آنان نادیده گرفته نشود.

۵-۸- تقابل حقوق و مسئولیت‌ها: اگر بپذیریم هر

حقی، مسئولیتی به دنبال دارد، باید اذعان کرد نمی‌توان در جامعه فقط به دنبال حقوق و منافع خود بود و به مسئولیت‌ها و پیامدهای اعمال توجهی نکرد. حق آزادی سقط جنین و در نظرنگرفتن مصالح زندگی بشری به بهانه آزادی‌های زنان، مستلزم نفی وظایف و مسئولیت‌های زن به عنوان مادر و نسبت به فرزند خود است.

الیزابت پرت (Elisabeth Porter) معتقد است که سقط جنین بیش از یک حق فردی برای انتخاب است. سقط جنین باعث ادغام حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی می‌شود. او معتقد است فرزندآوری یک تعهد جدی در ازدواج است و رفاه بچه موضوعی است که والدین هر دو باید به آن توجه کنند. مصلحت در جوامع مدرن به این معنا نیست که قانون در مسائل بحث‌برانگیز مثل اخلاق بی‌تفاوت باشد (۲۳)، بلکه وظیفه اخلاقی ایجاب می‌کند در چنین شرایطی به عنوان یک ناظر بی‌طرف، مصلحت همه افراد اجتماع اعم از زن و مرد، کودک یا بزرگ، فرد وابسته یا مستقل، ضعیف یا قوی در نظر گرفته شود.

با به رسمیت‌شناختن آزادی سقط جنین برای زنان و رهایی آنان از مسئولیت، عملاً کودکان از حمایت مادران و نهاد مهمی چون خانواده محروم می‌شوند. نکته مهم‌تر این‌که،

تمایل آزادانه است. زنان تحت هر شرایطی باردار نمی‌شوند و بین یک بارداری بر طبق تمایلات آزادانه و بارداری ناشی از اجبار باید تفاوت قائل شد.

۳-۸- نقد جواز سقط جنین به دلیل بارداری ناخواسته

و عدم توانایی مادر: در بارداری ناخواسته مادر مجاز به سلب مسئولیت از خود نیست. مسلماً این‌گونه نیست که تمام وظایف خاص ما در مورد دیگران ناشی از اراده و خواست ما باشد. آیا می‌توان گفت موتورسواری که بر حسب تصادف باعث مجروح شدن فردی شده است، هیچ گونه وظیفه‌ای نسبت به شخص مجروح ندارد، تنها به این دلیل که با خواست و اراده خود به او صدمه زده است؟ آیا فرد مستی که هنگام رانندگی تصادف می‌کند و موجب قتل نفسی می‌شود، حتی اگر قبل از رانندگی قصد کشتن کسی را نداشته باشد، مسؤول عملش نیست؟ آیا می‌توان گفت فرزندان هیچ وظیفه خاصی نسبت به والدین خود ندارند، چون با خواست و اراده خود این مسئولیت را نپذیرفته‌اند؟

ما در انتخاب بسیاری از امور مانند انتخاب پدر و مادر، همسایگان فقیر، بستگان و... آزاد نبوده‌ایم. این عدم آزادی در انتخاب، مجوز بی‌مسئولیتی ما در قبال زندگی و مشکلات آن‌ها نخواهد بود. ما دین خاصی نسبت به والدین خود احساس می‌کنیم، در حالی که هیچ اراده و انتخابی در پذیرفتن نقش فرزند نداشتیم. در بارداری ناخواسته نیز مادر مجاز به سلب مسئولیت از خود نیست. زن حتی اگر قصد بارداری نداشته باشد، در برابر جنین که موجودی بی‌گناه است و حق حیات دارد، مسؤول است.

۴-۸- چالش آزادی: فمینیست‌های رادیکال برای آزادی

فردی بیش از اندازه تقدس قائل هستند. قراردادن آزادی بی‌حد و حصر و لذت‌گرایی به عنوان بالاترین هدف زندگی می‌تواند به آسانی به خودپرستی و مادی‌گرایی منجر شود. این نوع جهان‌بینی برای خودمختاری و وابسته‌نبودن انسان به دیگران، احترام زیادی قائل است و ارتباط میان مردم را مهم تلقی نمی‌کند. این امر همچنین می‌تواند به انزوای هولناکی بینجامد، زیرا هدف این نوع جهان‌بینی به حداکثر رساندن انتخاب‌ها و گزینش‌های فردی است تا افراد یاد بگیرند، بدون

کودکان به دارایی‌های شخصی افراد (مادر) تبدیل می‌شوند تا به طور دلبخواهی و گزاف با آن‌ها رفتار شود، حتی به تنهایی درباره حیات و مرگ آن‌ها تصمیم‌گیری گردد. با لقاح اسپرم و تخمک، عاقبت یک جنین تشکیل خواهد شد. بنابراین نمی‌توان جنین را جزء بدن و مایملک شخصی زن محسوب کرد. این خود نمونه‌ای از برده‌داری نوین است که حیات یک موجود انسانی وابسته به تمایلات شخصی مادرش باشد، در حالی که حقوق اولیه انسان‌ها از نیازهای طبیعی آنان سرچشمه گرفته و به رسمیت شناخته می‌شود. حق حیات یک نیاز طبیعی برای جنین است. جنین‌ها نارس و وابسته هستند و برای حفظ حیات نیاز به حمایت دارند. وابستگی و نارس بودن جرم نیست. در نتیجه باید از حق زیستی و حیات جنین به عنوان یک حق طبیعی حمایت شود. در واقع، حیات جنین و هم اقامت موقت او در رحم به خواست دیگران بوده است (۲۴). بنابراین شایسته نیست که مادران تنها به دلیل عدم پذیرش جنسیت جنین یا تعداد آن‌ها به راحتی حیات انسانی آنان را نادیده گرفته و فرزندان خود را نابود کنند، در حالی که می‌توانند آن‌ها را به خانواده‌هایی بسپارند که از نعمت فرزندآوری محروم هستند و وجود یک کودک می‌تواند شادی و امید دوباره را در آن‌ها زنده کند. اهدای جنین به خانواده‌های فاقد فرزند می‌تواند بسیاری از مشکلات زوجین نابارور و پیامدهای ناگوار خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی آنان را حل کند.

نتیجه‌گیری

برخی از فمینیست‌های رادیکال نظیر سیمون دوبوار، فایرستون، کریستین اورال و سوزان شروین معتقدند که زنان به دلیل ویژگی‌های جسمی و طبیعی زایشی خود، حقوق باروری خاصی دارند که باید به رسمیت شناخته شود. به عنوان مثال در مواردی که زنان دچار مشکلات جسمی یا روحی هستند یا در بارداری‌های ناخواسته که آنان قادر به ادامه بارداری نیستند، در جنین‌های چندقلو و برای تعیین جنسیت جنین، به دلیل نیاز به اعمال محدودیت در تعداد فرزندان، زنان نیاز دارند آزادانه حق انتخاب داشته باشند. عدم

آزادی تصمیم‌گیری برای سقط جنین در این موارد مشکلات عدیده‌ای را برای آنان پدید خواهد آورد و آزادی سقط جنین، گامی مهم در راه آزادی تولید مثل زنان است. به اعتقاد آنان آزادی در امور تولید مثلی، یکی از مصادیق آزادی زنان از ستمی است که به دلیل جنسیت‌شان بر آن‌ها وارد شده و باید به طور خاص به آن توجه شود.

در نقد این مطلب بیان شد، حیات جنین چه قبل از ولوج روح که تنها استعداد و قوه قریب انسان‌شدن را دارد و چه بعد از ولوج روح که یک انسان کامل است (و حقوقی نظیر دیه در صورت قتل عمد و حق ارث) حیات انسان ارزش ذاتی دارد و انسان‌ها نباید وسیله اهداف دیگران قرار گیرند. دخالت و تصمیم‌گیری برای زنده‌بودن یا مرگ یک موجود انسانی نباید تابع قراردادهای و تمایلات دیگران باشد. به علاوه رحم مادر محل زیست طبیعی جنین است و همراهی زیستی جنین با مادر خود، او را برای مدتی وابسته به بدن مادرش کرده است. جنین‌ها نارس و وابسته هستند و برای حفظ حیات نیاز به حمایت دارند. وابستگی و نارس بودن جرم نیست. در نتیجه باید از حق زیستی و حیات جنین به عنوان یک حق طبیعی حمایت شود.

در نقد استدلال بر جواز سقط جنین در بارداری ناخواسته، مادر مجاز به سلب مسئولیت از خود نیست، زیرا همواره این گونه نیست که تمام وظایف خاص ما در مورد دیگران، ناشی از اراده و خواست ما باشد. همان‌گونه که وظایف اخلاقی ما در قبال پدر و مادر، همسایگان و فقیران به انتخاب ما نبوده، وظایف اخلاقی مادر نسبت به حفظ نسل آینده و حیات جنین وظایفی فراخواسته است. زنان می‌توانند با کنترل بارداری پیش از تشکیل جنین و مراقبت بارداری پس از تشکیل آن، از نابودی آن در مراحل بعدی جلوگیری کنند یا آن را به زوجین ناباروری که در آرزوی فرزندآوری هستند، هدیه دهند. زنان حق ندارند فقط به دنبال حقوق و منافع خود در جامعه بوده و به مسئولیت‌ها و پیامدهای اعمالشان در مورد جنین‌ها بی‌توجهی کنند. حق سقط جنین به بهانه آزادی زن، مستلزم نفی وظایف و مسئولیت‌های او به عنوان یک مادر است.

References

1. Beasley K. What Is Feminism. Translated by Zomorodi MR. Tehran: Roshangaran Publishing and Women's Studies; 2006. [Persian]
2. LeGates M. In their time: A history of feminism in western society. Translated by Mahdian N. Edited by Najm Iraqi M. 3rd ed. Tehran: Straw Publishing; 2015. [Persian]
3. Jagger AM. Living with contradictions: Controversies in feminist social ethics. Routledge; United States America; 2018. p.281.
4. Porter E. Abortion ethics: Rights and responsibilities. *Hypatia* 1994; 9(3): 66-87.
5. Markowitz S. A Feminist Defense of Abortion, Social Theory and Practice. *Wadsworth Publishing Company* 1990; 16(1): 1-7.
6. Abbott P, Wallace C. An Introduction to the Sociology of Feminist Attitudes. Translated by Maryam KH, Ahmadi H. Tehran: Mother's World; 1997. [Persian]
7. Firestone S. The dialectic of sex: The case for feminist revolution. Farrar: Straus and Giroux; 2003 Mar 5.
8. Khodami N. Motherhood, Rights and Responsibilities. Qom: Center of Women Studies; 2016. [Persian]
9. Franch M. The War against Women. Translated by Civilization T. Tehran: Scientific; 1994. [Persian]
10. Bostan H. Islam and Family Sociology. Qom: Institute of Constituency and University; 2006. [Persian]
11. Hewlitt S, West C. War on the Family. Translated by Mohammadi M. 2nd ed. Qom: Ma'aref Publishing; 2010. [Persian]
12. De Beauvoir S. Second Gender. Translated by Sanavi Q. 2nd ed. Tehran: Toos; 2003. [Persian]
13. Roodgar N. Feminism: History, Theories, Trends, Criticism. Qom: Center of Women Studies and Research; 2009. [Persian]
14. Sherwin S. Abortion through a feminist ethics lens. *Dialogue: Canadian Philosophical Review/ Revue Canadienne De Philosophie* 1991; 30(3): 327-342.
15. Edgington C. Reflections on Feminist Views of Abortion and Motherhood. *Cedar Ethics. A Journal of Critical Thinking in Bioethics* 2002; 2(1). Available at: <https://digitalcommons.cedarville.edu/cedarethics/vol2/iss1/1>.
16. Callahan SC. Abortion and the sexual agenda: a case for prolife feminism. New York; 1986.
17. Branch A. Radical Feminism and Abortion Rights: A Brief Summary and Critique. *Journal for Biblical Manhood and Womanhood* 2004; 9(2): 19.
18. Pasno D. Feminism, Way or Way less? The revelation of God's will for the release of women. Translated by Majidi MR. 3rd ed. Center for Culture and Education. Qom: Center for the Publishing of Editions; 2008. [Persian]
19. Wolf N. The beauty myth: How images of beauty are used against women. New York: Random House; 2013.
20. Wolf-Devine C. Abortion and the Feminine Voice. Reprinted in Poyman and Beckwith. 2nd ed. Wadsworth Publishing Company; 1998.
21. Alebouyeh AR. The Right of a Woman to Control His Body. *Quarterly Journal of Critique and Viewpoint* 2011; 16(62): 29-60. [Persian]
22. Hewlitt SA, West C. The war against parents: What we can do for America's beleaguered moms and dads. New York: Houghton Mifflin Harcourt; 1999.
- Hewlett SA, West C. The war against parents: What we can do for America's beleaguered moms and dads. New York: Houghton Mifflin Harcourt; 1999.
23. Porter E. Abortion ethics: Rights and responsibilities. *Hypatia* 1994; 9(3): 66-87.
24. Colker R. Feminism. Theology and Abortion: Toward Love, Compassion and Wisdom. *California Law Review* 1989; 77(5): 1011.